

۱۵۳۳۵۱۹

شاه کلید ثروت

ناپلئون هیل

مهدی قراچه داغی

www.ketab.ir



انتشارات لیوسا

Hill, Napoleon

هیل، ناپلئون

شاه کلید ثروت / ناپلئون هیل

ص ۱۸۴

The master-key to riches

موفقیت

BJ۱۶۱۱/۲/۹۷ ک ۸

۶۵۰/۱

۳۲۰۱۰۸۳

سرشناسنامه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات ظاهری

عنوان اصلی

موضوع

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی



■ نوبت چاپ: چاپ دهم ۱۴۰۴

■ تیراژ: ۲۰۰ نسخه

■ چاپ: ثمین

■ صحافی: ثمین

■ قیمت: ۲۰۰۰۰۰ تومان

■ نام کتاب: شاه کلید ثروت

■ نویسنده: ناپلئون هیل

■ مترجم: مهدی قراچه‌داغی

■ ویراستار: حمیده رستمی

■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۳۸-۹۷-۹



۶۶۴۶۴۵۷۷ - ۶۶۹۶۳۰۳۵



۳۰۰۰۲۴۰۰۴۲



www.nashreliusa.com



instagram.com/dorsaliusa

۶۶۴۶۴۵۷۷



www.dorsabook.ir



liusa@nashreliusa.com



telegram.me/dorsaliusa



خیابان انقلاب، بین خیابان وصال و قدس (جنب سینما سپیده)، کوچه اسکو،
پلاک ۱۲، طبقه همکف. (کدپستی: ۱۴۱۷۸-۱۳۸۷۳)

فهرست مطالب

مقدمه	۷
فصل اول - سرآغاز همه‌ی ثروت‌ها	۱۷
فصل دوم - دوازده ثروت زندگی	۲۷
فصل سوم - هشت فرمانده	۳۷
فصل چهارم - قطعیت هدف	۴۶
فصل پنجم - ۶ دت‌لی کردن کیلومتر اضافی	۶۶
فصل ششم - عشق - ۱۰۰ ها، بخش نوع بشر	۷۶
فصل هفتم - اندیشه‌پردازی	۹۴
فصل هشتم - تحلیل اندرو کارنگم، ۱۰ اصل اندیشه‌پردازی	۱۰۱
فصل نهم - ایمان و اعتقاد	۱۲۱
فصل دهم - قانون نیروی عادت کیهانی	۱۴۱
فصل یازدهم - نظم و انضباط شخصی	۱۶۷

مقدمه

«من بخش هنگفت تر دارایی و ثروتم را که دربرگیرنده‌ی فلسفه‌ی موفقیت فردی است و همه‌ی ثروتم را از طریق آن به دست آورده‌ام، به عنوان میراث به مردم آمریکا تقدیم می‌کنم.»

این شروع آخرین و سبب نامه‌ی ثروتمندترین مردی بود که ثروتمندترین کشور روی زمین را غنی‌تر کرد. و حالا شروع مقدمه‌ی حکایتی را رقم می‌زند که می‌تواند بزرگ‌ترین نقطه‌ی عطف برای کسانی باشد که آن را می‌خوانند.

این حکایت در اواخر پاییز سال ۱۹۰۸ شکل گرفت، زمانی که اندرو کارنگی^۱ مرد مورد اعتمادش را فرا خواند، مردی که از به صداقت و قضاوتش احترام می‌گذاشت. آقای کارنگی می‌خواست بخش هنگفت تر دارایی و علم و دانش خود را به اطلاع مردم آمریکا برساند.

این حکایت از آن رو نوشته شده است که بدانید حق دارید در این ثروت بزرگ سهیم شوید. هدف این است که به شما آگاهی لازم داده شود تا بدانید در چه شرایطی می‌توانید این کار را بکنید.

مبادا مانند خیلی‌ها بگویید شرایطی که تحت آن، می‌خواهید در این

مهم سهیم شوید به قدری سخت و بی‌انعطاف است که نمی‌گذارد شما کاری صورت دهید. اجازه بدهید خیالتان را راحت کنم هر کسی که به میزان متوسط هوش داشته باشد می‌تواند به این مهم دست یابد. جایی برای امیدواری کاذب وجود ندارد.

برای اینکه بدانید آیا این قولی را که به آن احتیاج دارید یا طالبش هستید به شما می‌دهد یا نه، توضیح می‌دهیم که این قول بر چه اصول و اساسی استوار است:

توصیف شفاف و روشن فرمولی که بر اساس آن بتوانید از کتاب شاه‌کلید ثروت بیشترین فایده را ببرید، کلیدی که باید درهای حل همه‌ی مسائل شما را بگشاید. به شما کمک کند که شکست‌ها و ناکامی‌های گذشته‌ی خود را تلافی کنید و بتوانید به دوازده ثروت هنگفت، از جمله امنیت اقتصادی برسید.

فهرستی که اندرو کارنگی برای رساندن به ثروتی کلان برای آنان که صلاحیت دریافتش را دارند، ارائه داد.

توصیفی درباره‌ی ابزار و وسایلی که به کمک آن می‌توانید از تحصیلات، تجارب و مهارت‌های فنی کسانی که به همکاری‌شان برای رسیدن به هدف‌های مهم زندگی خود احتیاج دارید، استفاده کنید.

امتیاز استفاده از فلسفه‌ی موفقیت‌نشت گرفته از تجربه‌ی زندگی پانصد مرد موفق، از جمله هنری فورد،^۱ توماس ادیسون،^۲ ویلیام ریگلی،^۳ سایروس کورتیس،^۴ اوگدن آرمور،^۵ البرت هیوبارد،^۶ چارلز

1. Henry ford

3. William Wrigley

5. Ogden Armour

2. Thomas Edison

4. Cyrus H.K. Curtis

6. Elbert Hubbard

شواب،^۱ اف. دبلیو وول ورث،^۲ فرانک وندرلیپ،^۳ ادوارد بوک،^۴ دکتر الکساندر گراهام بل،^۵ کلارنس دارو،^۶ ولوتر برینک،^۷

برنامه‌ای قطعی که به کمک آن هر کسی که برای دستمزد یا حقوق کار می‌کند می‌تواند به درآمد بالاتری دست یابد - با رضایت کامل و همکاری صادقانه‌ی کارفرما.

برنامه‌ای قطعی که به کمک آن هر کسی که برای دیگران کار می‌کند می‌تواند حرفه و تجارتی را برای خود شروع کند و به موفقیت برسد.

برنامه‌ای قطعی که به کمک آن هر تاجری می‌تواند مشتریان خود را دائمی کند - بعد با همکاری آنان مشتریان جدیدی پیدا کند و آنها را هم به جمع مشتریان دائمی خود بیفزاید.

برنامه‌ای قطعی که به کمک آن همه‌ی فروشندگان بیمه‌ی عمر می‌توانند مشتریان خود را به کسانی تبدیل کنند که برای شان تولید مشتریان جدید کنند.

برنامه‌ای قطعی که به کمک آن هر کارمایی می‌تواند کارکنان خود را به دوستان شخصی خود تبدیل کند تا با هم یار آنها تجارتش سودمندتر شود و به او و به کارکنانش سود بیشتری برساند.

اولین توصیه‌ی ما این است که این کتاب را بار بخوانید، سطر به سطر، و بعد در حین خواندن آن فکر کنید.

هیچ رویدادی بدون وجود یک علت قطعی صورت خارجی پیدا نمی‌کند.

هرگز اتفاقی نبود که ایالات متحده به ثروتمندترین کشور جهان تبدیل

1. Charles M. Schwab

2. F.W. Woolworth Frank

3. Frank A. Vanderlip

4. Edward Bok

5. Alexander Graham Bell

6. Clarence Darrow

7. Luther Burbank

شد. اینجا سرزمین فراوانی است، آن هم به دلیل عللی که به خوبی تعریف شده‌اند.

میل به زیاد داشتن ممکن است خودخواهانه باشد اما همه می‌دانیم که این میلی طبیعی است. وقتی اندرو کارنگی تصمیم گرفت ثروت هنگفت خود را صرف کارهای خیریه کند از این مهم اطلاع داشت. او ثروت کلان خود را به طور مشروط به دیگران داد و شرایطی وضع کرد که هر کسی می‌خواست از آن استفاده کند می‌بایست خود را با این شرایط سازگار می‌کرد.

آقای کاریگی روشی جدید و شرافتمندانه برای توزیع ثروتش برگزید. او خوب از این نقطه ضعف انسان‌ها مطلع بود که می‌خواهند بدون زحمت به جایی برسند. می‌دانست که آدمیزاد از گذشته‌های دور تاکنون دنبال زمینی می‌گشته است که در آن شیر و عسل جاری باشد.

او در ضمن می‌دانست ثروت، به هر نوع و شکلی که وجود داشته باشد، بدون رعایت نکاتی می‌تواند به دریافت‌کننده‌ی آن بیش از حدی که سود می‌رساند، ضرر بزند. از این رو، برای دریافت‌کنندگان ثروتش شرط و شروطی قائل شد تا آنها را از خطر دریافت چیزی بدون اینکه زحمتی کشیده باشند، نجات دهد.

نقطه‌ی مقابل این موقعیت، مهاجرت مردم از بریتانیا به دنیای جدید بود. آنها نه تنها به امید یافتن سرزمین‌های حاصلخیز مهاجرت کردند، بلکه دنبال سرزمینی بودند که به آنها فرصت بدهد از قوه‌ی ابتکار خود استفاده کنند، در نوع مذهب و عبادت آزادی عمل داشته باشند و بتوانند حرفشان را بزنند. و این گونه بود که توانستند در تاریخ مدرن قدم‌های برجسته بردارند.

آنها سرزمین وفور و فراوانی ایجاد کردند. فراوانی حاصل تلاش‌های آنها بود زیرا تلاش‌هایشان مبتنی بر فلسفه‌ای درست و سالم بود. هدفی

سازنده را دنبال می‌کردند که اندرو کارنگی قرن‌ها بعد متوجه آن شد و نه تنها از آنها به سود خود استفاده کرد، بلکه برای مردم امروز قوانین ساده‌ای به ارمغان آورد. یک شاه کلید - که آنها هم به وسیله‌ی آن به ثروت برسند.

در نتیجه‌ی زحمات آنان و به دلیل سال‌ها تلاش و ممارست، تمدنی خلق شد که قبل از آن هرگز در تاریخ دیده نشده بود، فرهنگی فراتر از بزرگ‌ترین فرهنگ‌های تمام طول تاریخ. سطحی از زندگی که انسان قبلاً نظیرش را ندیده بود. همه‌ی این امتیازات حاصل بنیادی مستحکم بود. ایجاد یک دموکراسی جدید، چیزی جدید در زیر آفتاب.

چنین تمدنی هرگز در طول تاریخ بشر دیده نشده بود. در تاریخ بشر بارها پیش آمده که ابتدایی تمدن پیام‌آور دورانی درخشان باشد، اما این تمدن‌ها تنها به درصد به نسبت کمی از مردم محدود می‌شده است. تفاوت میان هر یک از این دوران‌ها مربوط به گذشته‌های دور و زمان حال که ما در دنیای جدید از آن بهره داریم، در این حقیقت نهفته است که توده‌های مردم در گذشته تحت حکومت - کام جبار زندگی می‌کردند حال آنکه امروز ما از چنان سطحی از زندگی برخورداریم که حتی سلاطین آن دوران از آن بی‌اطلاع بودند.

بنابراین ما مبین تفاوت میان دوره‌های فرهنگی گذشته و فرهنگ امروزی هستیم. ببینید مردم امروز چگونه زندگی می‌کنند. تحصیل رایگان، سرگرمی‌های مجانی، رادیو، اتومبیل، هواپیما، شبکه‌ی بزرگراه‌ها، وسایل ارتباطی پیشرفته، آزادی در شیوه‌ی عبادت. اینها و هزاران امتیاز دیگر که روستاییان سال‌های قبل از آن محروم بودند، امروزه در اختیار همه‌ی مردم قرار دارد. این تفاوت که ناشی از تفاوت اصولی در انگیزه‌ها و اهداف دیگر است به دلیل نوع زندگی مردم ایجاد شده که در دنیای کهن و در اروپا

هرگز سابقه نداشته است.

در آمریکا زنان و مردان آزاد بوده‌اند که به مبنای وجدان خود عمل کنند. آنها آزادی عمل داشته‌اند که عبادت کنند، آزادی سخن گفتن داشته‌اند، آزادی مطبوعاتی داشته‌اند، می‌توانسته‌اند آزادانه انتخاب‌های سیاسی کنند، از حمایت دولتی برخوردار بوده‌اند که به آنان اطمینان می‌داده است از بازده سعی و تلاش آنها حراست می‌کند.

این موفقیت‌ها ناشی از این حقیقت بوده که زندگی، آزادی و جستجوی خوشبختی پایه و اساس پیشرفت این جمهوری جوان بوده است.

وقتی کارگران توانستند از ابتکارات شخصی خود استفاده کنند و ابتدا به صورت انفرادی و بعد گروهی در کارها مشارکت کردند، کم‌کم به هنر فروشنده‌گی پی بردند، رقابت را آموختند، دانستند که قوه‌ی ابتکار فردی چه اهمیتی دارد. آنها آموختند نوادگانشان باید از صداقت بهره داشته باشند تا مؤید آنچه برایش تبلیغ می‌کنند، باشد.

همه‌ی این عوامل سبب شدند که حجم تولید افزایش یابد و از میزان هزینه‌ها کاسته شود. کم‌کم کسانی که مایل به تولید کالاهای آمریکایی مصرف کنند بیش از کسانی شدند که در تولید آنها دست داشتند.

در توصیف این حکایت درباره‌ی راه رسیدن به ثروت، خواننده باید بخشی از داستان را با اندیشه‌های خود تکمیل کند و حرف‌های ما را با تجربیات خود مقایسه کند. لازمه‌ی این کار این است که خواننده تصویر واضحی از سابقه و تاریخچه‌ی منبع ثروت در آمریکا داشته باشد.

ما با نظام اجتماعی جدیدی روبه‌رو هستیم. می‌توانیم از ماهیت آن سر در بیاوریم و پیش‌بینی کنیم که این نظام ما را به کجا می‌برد.

درباره‌ی یک موضوع مطمئن هستیم؛ ما آنچه را دیکتاتورهای اروپایی به عنوان یک نظم جدید به مردم خود تحمیل می‌کنند، نمی‌خواهیم. ما از

آزادی برخوردار بوده‌ایم که بتوانیم از قوه‌ی ابتکار شخصی خود استفاده کنیم و حالا حاضر و مایل نیستیم که این امتیازات را از دست بدهیم. احساس ما در قبال دیکتاتورهای راکنل رابرت اینگرسول^۱ در بررسی و اظهار نظرش درباره‌ی ناپلئون به زیبایی تشریح کرده است:

مدتی قبل بر سر مزار ناپلئون بودم
مقبره‌ی باشکوهی بود

روی سنگ قبر بزرگ‌ترین سرباز دنیای مدرن خم شدم
او را دیدم که در ساحل رود سن^۲ در فکر خودکشی بود.
او را دیدم که مردم را در خیابان‌های پاریس سرکوب
می‌کرد.

او را دیدم که در رأس ریش ایتالیا بود.
او را دیدم در حالی که پرچم سنگ را در دست داشت از
پل لادی^۳ عبور می‌کرد.
او را در سایه‌ی اهرام ثلاثه دیدم.
او را دیدم که سلسله جبال آلپ را تصرف کرده و
عقاب‌های فرانسه را با عقاب‌های صخره‌ها در هم آمیخته
بود.

او را در روسیه دیدم که سپاه برف و سرما و سواره‌نظام
حیوانات وحشی، ارتش او را همچون برگ‌های خشک
زمستان پراکنده کرده بود.

او را در لیزیک^۴ دیدم که شکست خورده و کارش به

1. Colonel Robert G. Ingersoll

2. Seine

3. Ladi

4. Leipsic

مصیبت کشیده بود.

او را دیدم که فرار کرده و یک امپراتوری را به کمک نیروی ذهنی و نبوغش تصرف کرده بود.

او را در میدان نبرد واترلو^۱ دیدم که شکست خورده بود و دستاش را از پشت طناب پیچ کرده بودند. و او را زندانی در سنت هلن^۲ دیدم که غمگانه به تماشای دریا نشسته بود.

بعد به یاد بیوه‌ها و یتیم‌هایی افتادم که به دست او به این حال و روز افتاده بودند. به یاد اشک‌هایی افتادم که برای به اوج رسیدن او ریخته شده بود.

و به خود نفتم ترجیح می‌دهم یک روستایی فقیر فرانسوی باشم و کفش‌های - وین به پا کنم. ترجیح می‌دهم در کلبه‌ام به تماشای غروب خورشید بنشینم و زخم را در کنار خود داشته باشم که بافندگی می‌کند، فرزنداتم را ببینم که دستانشان را به دور گردن من آورده‌اند و کسی به نام ناپلئون کبیر نباشم.»

اجازه دهید در همین جا تأکید کنم وقتی درباره‌ی ثروت حرف می‌زنیم منظورمان همه‌ی انواع ثروت است، نه فقط آن ثروتی که حساب‌های بانکی ما نشان می‌دهند.

ما به ثروت و غنای آزادی‌های سیاسی و شخصی توجه داریم که در این کشور بیش از هر کشور دیگری وجود دارد.

ما به غنای روابط انسانی توجه داریم که از طریق آن هر شهروند کشور

ما می‌تواند از قوه‌ی ابتکاری که دارد به بهترین شکل استفاده کند. ما از ثروت و غنای مؤسسات آزاد اقتصادی برخورداریم که سبب شده است در زمینه‌ی صنعت سرآمد همه‌ی کشورهای دنیا باشیم. ما از ثروت مطبوعات و رسانه‌های گروهی آزاد، مدارس تحصیلی رایگان و از کلیساهای آزاد برخورداریم.

بنابراین وقتی از ثروت و غنا صحبت می‌کنیم، منظورمان زندگی متنعم و برخوردار از فراوانی است که برای همه‌ی مردم وجود دارد و با حداقل تلاش می‌توان از آن برخوردار شد.

همزمان بدانیم که ما هیچ پیشنهادی نمی‌کنیم که اشخاص از چه غنایی استفاده کنند و نمی‌گوییم هرکس چه مبلغی باید سهم ببرد.

خوشبختانه شیوه‌ی زندگی به طرز امریکایی، فراوانی در انواع و اقسام مختلف را مدنظر دارند. همه‌ی انسان‌های منطقی می‌توانند از آن بهره بگیرند. امیدواریم هر خواننده ثروت مورد نیازش را در نظر بگیرد.

در کمال تأسف شاهد هستیم که بسیاری از زنان ما اصراف می‌کنند تا زندگی سرشاری داشته باشند. ما به هیچ کس نمی‌گوییم که چگونه زندگی کند اما می‌دانیم که رفاه مادی تضمینی برای خوشبختی نیست.

ما هرگز به انسان شادمان و خوشبختی برنخورده‌ایم که به نوعی به بقیه‌ی مردمان کشورش خدمت‌رسانی نکند. ما بسیاری از انسان‌های ثروتمند را می‌شناسیم که هرگز خوشبختی را لمس نکرده‌اند.

از گفتن این حرف‌ها قصد موعظه نداریم. اما باید مردمی که به لطف ثروت بیکران موجود در این کشور به ثروت انبوه رسیده‌اند، نکاتی را بدانند.

با آنکه مردم این سرزمین از بالاترین معیار سطح زندگی برخوردار بوده‌اند، ما از این معیار راضی نیستیم. می‌دانیم که می‌توانیم این معیار را بالاتر ببریم. ما معتقد نیستیم که از هیچ کاری صورت ندادن می‌توانیم به ثروت برسیم. ما می‌خواهیم فلسفه‌ی پانصد انسان موفق در عرصه‌ی ثروت را بررسی کنیم که اندرو کارنگی یکی از آنهاست.

www.ketab.ir